

## کنفرانس G20 و اعلامیه اتحادیه های کارگری

کمیته هماهنگی

دوشنبه ۱۰ فروردین ۱۳۸۸

رؤسای دولت ها و سران سیاسی ۲۰ کشور بزرگ دنیا در کشور انگلیس دور هم جمع می شوند تا در باره راه های برون رفت نظام سرمایه داری از بحران چاره اندیشی کنند. محتوای مباحثات، برنامه ریزی ها و همه آنچه این جماعت انجام خواهند داد از پیش بسیار شفاف و بدون نیاز به قرائت مفاد مکتوب و گزارشات رسانه ای آن ها قابل پیش بینی است. بیکارسازی های وسیع تر، تنزل بیشتر دستمزدها، تعطیل بیشتر مدارس و بیمارستان ها، برچیدن وسیع تر امکانات نگهداری از پیران و سالمندان در کشورهایی که هنوز بقایایی از این امکانات وجود دارد، بدتر کردن وضعیت معیشتی بازنشستگان و مسائلی از این دست کل محتوای بحث ها، قطعنامه ها و مصوبات کنفرانس را تعیین خواهد کرد. هیچ لزومی به انطباق آنچه انجام خواهد گرفت با ساختار ظاهری فرمول بندی ها وجود ندارد. فرمول بندی ها می توانند زیبا یا زشت باشند. گزارش ها می توانند با هر مضمونی به نگارش درآیند. روزنامه ها ممکن است هر مطلبی را درمورد مذاکرات سران کنفرانس منتشر کنند. مصاحبه ها می توانند هر نگاه وارونه ای را درمورد بحران سرمایه منعکس کنند. اما آنچه در عمل روی خواهد داد بدون شک همان است که در بالا گفتیم. کنفرانس برای مقابله با بحران به همان راه حل هایی متوسل خواهد شد که سرمایه همواره از آن ها به مثابه مکانیسم های متعارف و غیرمتعارف خنثی سازی بحران سود جسته است و همچنان سود می جوید. مکانیسم ها همان ها هستند که گفتیم و سران دولت ها هیچ چیز فراتر از آن برای بحث و تصمیم گیری ندارند. در این، جای تردیدی نیست و موضوع بحث ما نیز عجالتاً پرداختن به دستور کار کنفرانس نیست. آنچه در این نوشته کوتاه مورد توجه است اعلامیه ای است که سران اتحادیه های کارگری در روز دوم آوریل ۲۰۰۹ تسلیم کنفرانس لندن خواهند کرد. سران اتحادیه های کارگری نیز با دلسوزی بیش از حدی که مصداق ضرب المثل معروف «کاسه داغ تر از آتش بودن» است در جستجوی یافتن راه حل برای پس راندن موج بحران سرمایه داری هستند. آنچه تا امروز در این راستا انجام داده اند کم و بیش برای توده کارگران جهان آشنا است. راه چاره ها و طرح های این ها به مو به مو همان بوده است که سرمایه داران، دولت ها و به بیان دقیق تر سرمایه نسخه پیچی کرده است. هر چه سرمایه اراده کرده است اینان انجام داده اند. تسلیم صدها هزار کارگر به جوخه مرگ بیکاری و گرسنگی، پیشنهاد و اجرای سریع طرح کاهش دستمزدها، اصرار بر الغای حق اعتصاب و موارد مشابه فقط چند قلم از خدمات بسیار دلسوزانه آن ها به سرمایه و برای خارج ساختن نظام سرمایه داری از ورطه بحران بوده است. رؤسای اتحادیه های کارگری اینک در آستانه برگزاری نشست سران G20 و در ادامه برنامه ریزی ها و کوشش های سراسری بسیار متعهدانه خود برای تحمیل کل بار بحران بر گرده کارگران اقدام به تهیه یک اعلامیه کرده اند. کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (ITUC) و کمیته مشورتی اتحادیه های کارگری موسوم به (TUAC) در سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) و در یک کلام صدروشنیان جنبش اتحادیه ای در سطح جهان از طراحان و تدوین

کنندگان این اعلامیه هستند. مفاد اعلامیه به شرح زیر است:

- سازماندهی یک بهبود هماهنگ بین المللی و رشد اقتصادی پایدار برای اشتغال زایی و تضمین سرمایه گذاری دولتی
- ملی کردن بانک های ورشکسته و تنظیم سیاست های جدید مالی
- اقدام برای مقابله با خطر کاهش دستمزدها و معکوس کردن روند چندین دهه بی عدالتی فزاینده
- چاره جویی وسیع برای تغییرات زیست محیطی

- یافتن یک چهارچوب بین المللی قانونی برای تنظیم اقتصاد جهان همراه با اصلاح سیاست نهادهای مالی و اقتصادی جهان (صندوق بین المللی پول (IMF)، بانک جهانی (World Bank)، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) و سازمان تجارت جهانی (WTO) )

همه نکاتی که در این اعلامیه مورد تأکید قرار گرفته است مدت هاست که ورد زبان بخشی از نمایندگان فکری و سیاسی و اقتصاددانان نظام سرمایه داری است. کل مضمون اعلامیه و بند بند مفاد آن عبارت است از جستجوی راه های نجات سرمایه داری از بحران به حساب معیشت توده های کارگر، چیزی که طبعاً رؤسای اتحادیه های کارگری و آقای گای رایدن رئیس کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری برای پنهان کردن آن تلاش می کنند. ترجمه زمینی و واقعی "رشد اقتصادی پایدار" در شیوه تولید سرمایه داری چیزی جز تدارک و سازماندهی عظیم ترین سلاخی ممکن هست و نیست توده های کارگر و وثیقه کردن کل معاش چند میلیارد برده مزدی جهان برای بقای سرمایه نیست. این بند در همان حال متضمن القای ارتجاعی ترین خرافه ها در ذهن توده های کارگر دنیا است و این باور را تبلیغ می کند که گویا به راستی سرمایه داری بدون بحران هم وجود دارد، و گویا سرمایه داری سرای ابدی بشر و منزلگاه آخر زندگی انسان است. بانیان منشور این توهم را ترویج می کنند که:

« بهبود و رشد اقتصادی پایدار می تواند به دست آید، اما فقط در صورتی که روی اشتغال زایی و سرمایه گذاری دولتی، سیاست گذاری فعال برای بازار کار، گسترش شبکه های امنیت اجتماعی و اقدامات ویژه برای اقتصادهای درحال توسعه و درحال ظهور تمرکز کنیم. »

"ملی کردن بانک ها" سیاست اضطراری پیشینه دار گرایشات از طبقه سرمایه دار در دوره های حدت یابی بحران سرمایه داری است. این امر هیچ ربطی به طبقه کارگر ندارد و نه فقط هیچ مشکلی از زندگی توده های کارگر را حل نمی کند بلکه مانند همه راهکارهای دیگر سرمایه داران در خدمت سرشکن کردن بار بحران بر زندگی کارگران است. در میان بندهای اعلامیه عبارتی به چشم می خورد که ظاهر آن تا حدودی گمراه کننده است. اما طنز ماجرا این است که رؤسای کنفدراسیون و جناب گای رایدن خود حتی در این مورد نیز قادر به استتار نیات ضدکارگری خویش در خدمت نظام سرمایه داری نشده اند. او و سرمایه داران دیگر صدر کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری از «مقابله با خطر کاهش دستمزدها» سخن گفته اند. شاید چند کارگر ساده لوح در این یا آن گوشه دنیا چنین پندارند که گویا مراد رؤسای کنفدراسیون واقعاً جلوگیری از سقوط بیشتر دستمزدها است. چنین پنداری از بیخ و بن غلط و بی پایه است. گای رایدن و شرکای وی در همین اعلامیه ای که تسلیم سران دولت ها خواهند کرد تصریح نموده اند که منظورشان یافتن راهی برای کاهش خطر بحران سرمایه است. لازم به ذکر است که عده ای از نمایندگان فکری و اقتصاددانان سرمایه داری مروج این باور خرافی هستند که گویا سرمایه داران با

افزایش دستمزد کارگران می توانند بازار رونق انباشت را همیشه داغ نگه دارند و خطر بحران را از سرمایه رفع کنند!! اینان ریشه بحران را نه در وجود رابطه تولید ارزش اضافی بلکه در جاهای دیگر جستجو می کنند!! و از همین رو در هم و دیناری اضافه دستمزد را راه نجات سرمایه از بحران تلقی می نمایند. گای رایدر و سرمایه داران صدرنشین کنفدراسیون تأکید کرده اند که به همین جماعت تعلق دارند و مرادشان از پیشنهاد مقابله با کاهش دستمزدها نه بهبود معیشت کارگران بلکه کاستن از خطر غرق شدن سرمایه در منجلاب بحران است. تنظیم کنندگان اعلامیه در باره اعجاز نسخه خویش می گویند:

«... منشور لندن اشاره ای به خطر واقعی کاهش دستمزدها دارد و این واقعیت را برجسته می کند که نابرابری فزاینده درآمدها در جهان یکی از عوامل اصلی رکود جاری است، چرا که قدرت خرید کارگران قادر به ایجاد تقاضای کافی برای کالاها و خدمات در بازار نبوده است. تضمین برخورداری کارگران از حق قرارداد دسته جمعی و تقویت نهادهای تعیین دستمزد باعث پیدایش یک بستر مناسب در بازارهای کار، تحرک اقتصاد و افزایش قدرت خرید خانواده ها خواهد شد. این امر ارتباط تنگاتنگی با اصلاح صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و دخالت سازمان جهانی کار (ILO) در مرکز یک نظام کارآمد و پاسخگو برای اداره جهان دارد.»

سران کنفدراسیون اصرار دارند که اگر سرمایه داران گوشه چشمی به دستمزدهای کارگران بیندازند جاودانگی نظام سرمایه داری را تضمین خواهند کرد. آنان مخصوصاً با رجوع به استدلال های لازم!! می کوشند تا به دولتمردان سرمایه ثابت کنند که از فرمول "مقابله با خطر کاهش دستمزدها" هیچ نیت سوئی ندارند. هدفشان اصلاً بهبود زندگی کارگران نیست. دغدغه وقوع بحران و متزلزل شدن شیرازه حیات سرمایه داری است که آنان را به تکاپو انداخته و در این راستا است که به تدوین منشور اهتمام کرده اند.

مفاد اعلامیه نکاتی بود که توضیح دادیم. تنظیم کنندگان این اعلامیه صدرنشینان همان نهادی هستند که در طول چند سال اخیر از جمله از سوی سندیکالیست های ایرانی به عنوان پشت و پناه توده های کارگر و حامی مبارزات و مدافع حقوق آن ها معرفی شده اند. در این باره ما پیش تر زیاد توضیح داده ایم. هدف از نگارش همه این ها و از جمله این چند سطر آشنایی بیشتر همزنجیران کارگر به ماهیت جنبش سندیکالیستی و در همان حال چند و چون ادعای کسانی است که تلاش دارند جنبش ضدسرمایه داری طبقه کارگر را به دار این جنبش آلت دست سرمایه جهانی حلق آویز کنند.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۱۰ فروردین ۱۳۸۸

[www.hamaahangi.com](http://www.hamaahangi.com)

[khbitkzs@gmail.com](mailto:khbitkzs@gmail.com)